

فصلنامه مطالعات فرهنگی - دفاعی زنان

سال اول، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۴

## مقدمه‌ای بر آموزه امام خمینی در مسائل زنان

نویسنده: مرکز مطالعات و تحقیقات زنان سپاه\*

### چکیده

دردورانی که الگوهای غربی همچون تیرهای زهرآلود در جوامع اسلامی رسوخ نموده اند تا جائیکه تمام ابعاد زندگی مسلمانان را در بر گرفته، به صورتی که توانسته است برای او یک الگوی رفتاری تعیین نماید. در این بین زنان جوامع اسلامی با توجه به اینکه نقش محوری و تربیتی خانواده، طبق روایت و احادیث، به عهده او نهاده شده است بیشتر در معرض این خطر قرار دارند. و از طرفی دیگر رایج شدن الگوهای متحجرانه و ناسازگار با قوانین اسلامی در بعضی از اندیشه ها و برداشتهای اسلامی، خطر به عقب رانده شدن و نیز انزوایگزینی زنان را در جوامع اسلامی در باور خیلی از جوامع بوجود آورده است. لذا با توجه به این دو مسئله، خطر رایج شدن فرهنگ غربی و به فساد کشیده شدن جوامعی اسلامی و حذف زنان از اجتماع در اندیشه های متحجرانه؛ ما را نیازمند به یک الگو و آموزه ای نو و جدید برای حفظ تعادل در رفتار و منش زنان در جامعه، می نمایاند. از این رو این مقاله بر آن است که بتواند گفته ها و آموزه های حضرت امام خمینی<sup>ره</sup> را در رابطه با زنان به صورتی تحلیلی و عقلی بررسی نماید تا جایگاه واقعی زنان در اندیشه اسلامی آن متفکر بیان شود.

**کلید واژگان:** زنان، آموزه، خانواده، اجتماع، الگو

\* این مقاله برگرفته از پروژه ای است به همین نام که توسط آقای دکتر ابراهیم برزگر در مرکز مطالعات و تحقیقات زنان سپاه انجام شده است.

## مقدمه

موضوع حقوق و مسائل زنان و چالش‌های آن در ظرف بین‌المللی و عصر جهانی شدن از موضوعات حیاتی است که روز به روز بر اهمیت «مساله وارگی» آن افزوده می‌شود. موج اول مدرنیسم از حدود دو سده پیش به جهان اسلام و ایران رسید و موج دوم آن که به جهانی شدن شهرت یافته است، در کانون توجهات قرار دارد. این روند در بسیاری از مواقع روندی برون‌تمدنی است. ابعادی از آن در برابری زنان جلوه‌گر شده و آن را به مساله‌ای اساسی و بین‌المللی و حقوق بشری مربوط به زنان بیان کرده و آن را نیازمند تولید پاسخ مبدل ساخته است. قصور و تقصیر در تولید پاسخ برای این «مساله تحمیلی»، آن را به «پاسخ تحمیلی» که همان پاسخ غربی است، مبدل می‌سازد.

یکی از منابع تولید پاسخ، سیره نظری و عملی امام خمینی (ره) به عنوان یک نظریه پرداز مسلمان، یک مجتهد و مرجع تقلید برجسته و مؤسس یک نظام سیاسی، یک متفکر در سیاست و یک فیلسوف و متکلم و عارف واصل، در مساله زنان کاری بسیار ارزشمند است. این فهم برای ما به مثابه انتخاب راه میان‌بر در مساله زنان است. فهم پاسخ اسلام به مسائل در قرن بیست و یک، از مجرای اندیشه ورزی امام خمینی (ره) به معنای اتصال به ذخایر یک قرن مشاهده و تفکر در پرتو مفاهیم پیشین قرآنی، روایت و اندیشه‌های متفکران مسلمان پیشین است. این فهم فهمی برخوردار از میراث ۱۴ قرن اندیشه ورزی مسلمانان و درعین حال فهمی قرن بیستمی و «اسلام روز آمد شده» است.

ایشان به واسطه دیدگاه‌ها و اقدامات عملی حق بزرگی بر زنان مسلمان و زنان ایرانی دارد. اشاعه دیدگاه‌های وی در کسب و گسترش حقوق زنان مسلمان



در کشورهای اسلامی و نیز فهم درست مجامع بین المللی و کشورهای غربی از دیدگاههای پیشرفته زنان مسلمان نزد متفکران نظام ساز مسلمان بسیار راهگشاست. اشاعه دیدگاه امام خمینی (ره) به عنوان پیشرفته ترین نظریه ها در حقوق زنان مسلمان زمانی قابل درک است که با قرائت های دیگر از اسلام در مساله زنان، نظیر دیدگاه طالبان و نظایر آن مقایسه شود. کافی است تا رفتار و سیاست های عملی امام خمینی (ره) بعد از کسب قدرت با رفتار و سیاست های طالبان درباره زنان مقایسه شود تا به طور عینی این شکاف نمایان شود. دیدگاههای امام خمینی (ره) توانسته است ضمن کسب و گسترش قلمرو و حقوق زنان در عرصه عمل، با مبانی دینی، قرآنی، حدیثی و فقهی نیز سازگاری نماید و بدین ترتیب ظرفیت و قدرت باروری خود را برای تبدیل شدن به «گفتمان مسلط» به شدت افزایش دهد.

در این مقاله کوشش می شود تا ابعاد نظری امام خمینی (ره) در مساله زنان در قالب عبارات و گزاره هایی تا حد امکان کوتاه، بیان شود. هر یک از این گزاره ها خود نیازمند بخش استدلالی و به همراه مستندات نقلی و مبانی قرآنی و حدیثی و فقهی و کلامی آن متفکر است.

#### دیدگاههای حضرت امام خمینی (ره) در مورد زنان

گفتمان و الگوی امام خمینی در مقوله زنان هماهنگ با نظام صدق ( Truth Regime) جامعه ایران و مسلمان در انطباق است. نظام صدق جامعه به حیات عینی و ذهنی، روابط اجتماعی، حضور سیاسی و فعالیت اقتصادی و معیشتی و به تمامی ابعاد و شئون حیات فردی و اجتماعی معنا و مفهوم می دهد.

در گفتمان و الگوی امام در مساله زنان از سرچشمه مذهب جامعه سیراب می شود همان مذهبی که رگه هایی از نظام صدق جامعه را نیز تغذیه می کند. لذا به

تعبیر فوکو اسلام شیعی که قرن ها با دقت تمام زندگی روزانه، پیوندهای خانوادگی و روابط اجتماعی مردم را تنظیم کرده است، برای پاسخگویی به این نیازها به دلیل مقبولیت و مطلوبیت، مناسب ترین آرمان تلقی می‌شود. زیرا پیامی است آشنا که قرن‌هاست که در دل مردم نفوذ درد (نورم، ۲۰۰۰). برخلاف آموزه های فمینیستی که برای جهان اسلام و ایران تصنعی و غریبه می نمود.

مایه های بومی این گفتمان و شخصیت کاریزماتیک امام خمینی (ره) یکی دیگر از لوازم هژمونیک شدن گفتمان زنانگی امام را فراهم می‌کرد و این نگرش و روش را به اندیشه و سیاست مسلط در جامعه تبدیل کرده فراتر از این مقبولیت، قابلیت حصول و در دسترس بودن گفتمان از مزایای آن بود. اسلام شیعی به قرائت امام در دسترس و قابل حصول برای همگان بود (تاجیک، ۲۰۰۰). تمسک بدان، نیازمند ترک اعتقادات و باورها و یا پذیرش آیینی، نو نبود که نیازمند به فکر و مطالعه و تصمیم گیری داشته باشد (نورم، ۲۰۰۰) در حالی که گفتمان های شبه مدرنیستی پهلوی با فرهنگ مردم بیگانه می نمود و حتی آنان را به نوعی با بحران هویت مبتلا می ساخت.

الگوهای متحجرانه نیز با نیازهای روز زنان ناسازگار بود و نمی توانست نیازهای روز دنیای مدرن و واقعیت های عرفی آن را پاسخگو باشد. اما الگوی امام با جذب عناصری از مدرنیسم به این مهم دست می یافت. مجموعه این عوامل الگوی امام را هم برای نخبگان فکری غیر قابل مقاومت ساخت و هم برای زنان جامعه جذاب و مقبول می نمود و همچنان دارای این کارکرد است.

می توان دیدگاه های امام خمینی (ره) را درسه دوره در مسائل زنان از یکدیگر متمایز ساخت.

**دوره قبل از انقلاب**

در سالهای ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ امام در مخالفت با انجمن‌های ایالتی و ولایتی که بخشی از آن به مسائل زنان باز می‌گشت، اظهاراتی دارند. از قضا این اظهارات محورهای زیادی را نیز دربرمی‌گیرد که عبارتند از: الف) سربازی اجباری زنان؛ ب) تساوی حقوق، نفی صریح قرآن؛ ج) اختیار طلاق به دست زن و نفی ضروری اسلام و ذکوریت از شرایط قضاوت؛ و) تصریح دستگاه جباربه تساوی حقوق زن و مرد؛ ز) تصرف در احکام ضروری اسلام در امور زنان. اظهارات امام در این مرحله را باید با توجه به بستر اجتماعی آن دوره در نظر گرفت و تفسیر کرد.

**دوره انقلاب و پس از آن استقرار جمهوری اسلامی**

در این دوره امام چه در قالب گفتار و چه رفتار و سیره عملی دیدگاههایی را در باب زنان ارائه کرده‌اند که بسیار راه‌گشاست و بعضاً در تقابل با برخی از دیدگاههای قبل از انقلاب است.

**دوره سوم؛ از رحلت تا حال حاضر**

ویژگی این بخش آن است که محققان می‌کوشند تا در مسائل زنان، به شباهت و پرسشهای نوینی پردازند که در زمان حیات امام خمینی (ره) مطرح نبوده و یا دست کم در آن زمان به صورت «مساله در نیامده بودند». در واقع در دوره سوم به جهت اهمیت دیدگاه ایشان، کوشش می‌شود تا بر مبنای بنیادهای فکری امام خمینی (ره) و اصول و دیدگاههای کلی و دیدگاههای خاص ایشان در مسائل زنان، پاسخ این پرسش‌های جدید، استخراج شود تا بتواند دست مایه کارهای تئوریک و برنامه ریزی‌های استراتژیک قرار گیرد.

### مباحث نظری و اصولی - حضرت امام در مورد زنان

دیدگاه امام خمینی (ره) در مقوله زنان در راستای نگرش کلی ایشان در هستی‌شناسی، خداشناسی، انسان‌شناسی است. مبانی کلی اندیشه این متفکر دارای بازتابی در رفتارشناسی زنان و مردان است. بیان گزاره‌ای و چکیده‌گونه این مبانی بستر مساعدی برای فهم همه جانبه و عمیق دیدگاه ایشان در نگاه به زنان، مسائل زنان و رفتارشناسی زنان را فراهم می‌کند.

#### بدون زن شناسی انسان شناسی ناممکن است

زن صفتی از انسان است و شناخت زن فرع بر شناخت انسان است. (امس، ۱۳۷، ۳۶۶) انسانیت حقیقت مشترک بین زن و مرد است برای درک جایگاه زن در قرآن کریم که مواد خام ذهن متفکر در دوران اول را تشکیل می‌دهد، باید به جایگاه انسان در قرآن توجه کرد. هدایت به عنوان مفهوم محوری و کانونی قرآن کریم صرفاً اختصاص به مردان ندارد. بلکه برای هدایت «انسان» است: «هدی للناس» (قرآن کریم - بقره، ۱۸۵) ناس شامل زن و مرد به طور یکسان است. قرآن کریم وقتی مساله زن و مرد را طرح می‌کند، به ما می‌آموزد که باید ذکوریت و انانیت را از چهره «انسانیت» نگریست. (امس، ۱۳۷، ۷۷) حقیقت انسان را «روح» او تشکیل می‌دهد، نه جسم او. اصالت با روح و جان انسان است نه بدن و جسم وی که جنسیت وی را تشکیل می‌دهد. امام خمینی (ره) ضمن تاکید بر جنبه روحی انسان چنین اظهار می‌دارد:

«انسان دارای روحی است و جسمی. آنکه انسان به او انسان است، روح انسان

است نه جسم انسان... لب انسان، روح انسان است. (امام خمینی، ۱۳۵۷، ۱۱۸)

قوام انسان چه زن و چه مرد به «روح» اوست. در حالی که جنسیت امری بدنی است. روح و حقیقت انسان، جنسیت ندارد. قرآن هدایتگر انسانهاست و شانیت زن و مرد در هدایت تأثیری ندارد. روح، مذکر و مونث ندارد. بنابراین اولاً

دعوت الهی برای هدایت به صراط مستقیم هیچ اختصاصی به مردان ندارد. ثانیاً استعمال ضمیر مذکر در بسیاری از آیات و روایات، جز در مورد احکام خاص، صرفاً به دلایل محاوره‌ای و نه به دلایل جنسیتی است. ثالثاً مقام خلیفه الهی نیز مقام انسانیت اعم از زن و مرد است و مسجود ملائکه نیز روح است نه جسم و جنسیت\* (جوادی آملی، ۷۵). رابعاً در تکامل انسانی و سعادت انسان در دنیا و آخرت هیچ تفاوتی میان زن و مرد نیست. هر جا سخن از رستگاری و سخن از ارزشگذاری اعمال است، قرآن کریم تاکید دارد که تفاوتی میان زن و مرد نیست. «و من يعمل من الصالحات من ذکر او انثی و هو مؤمن فاولئک یدخلون الجنة و لا یظلمون نغیراً: هر یک از زنان و مردان باایمان که دست به کاری شایسته زنند، به بهشت وارد می‌شوند و ذره‌ای به آنان ستم نمی‌شود. (نسا، ۱۲۴)

«و من عمل صالحاً من ذکر او انثی و هو مؤمن فلنحیینه حیاه طیبه و لنجزینهم اجرهم باحسن ما کانوا یعملون: هر کس از مرد و زن کار نیکی انجام دهد و مؤمن باشد ما او را حیات طیبه می‌دهیم و اجری بسیار بهتر از عملی که انجام داده اند به آنها عطا می‌کنیم (نحل، ۶۷).

تاکید و توجه خاص قرآن بر تصریح به مرد و زن در آیات مذکور\*\* نشان می‌دهد که در سعادت دنیوی و اخروی هیچ تفاوت و تبعیضی میان زن و مرد وجود ندارد. بنابراین زن شناسی بدون طی پیش‌نیازی به نام انسان‌شناسی ناممکن است. زن صنفی از انسان است. انسانیت حقیقت مشترک بین زن و مرد است. حقیقت انسانیت زنانه یا مردانه، روح اوست که بخش مشترک زنان و مردان است نه

\* علامه طباطبایی نیز در ذیل آیات «انی لا اضعی عمل عامل منکم من ذکر او انثی» و نیز آیه ۹۸ سوره نحل به

همین «وحدت نوعی» اشاره کرده است. ر.ک: تفسیر المیزان، ج ۴، ذیل آیه مربوطه

\*\* همچنین در آیات آل عمران/۱۹۵ و غافر/۴۰ چنین مضامینی وجود دارد.



انسانیت زنانه یا مردانه، روح اوست که بخش مشترک زنان و مردان است نه جسم او که وجه تفاوت آنان است.

همین هستی‌شناسی است که از اساس، مبنای باید شناسی را درگون می‌کند به همین دلیل امام خمینی (ره) می‌گوید:

«از حقوق انسانی، تفاوتی بین زن و مرد نیست. زیرا که هر دو انسانند...» (امام خمینی، ۱۳۵۷، ۴۹).

#### هدف مندی خلقت

طبیعت انسان اعم از زن و مرد بر مبنای هدف آفرینش شکل یافته است. این واقعیت با آنچه برخی گروه‌های فمینیستی بر آن پای می‌فشارند و طبیعت را مسئول ظلم تاریخی به زنان می‌دانند و بر این باورند که پیشرفت‌های بشری بر خلقت طبیعی بشر غلبه پیدا خواهد کرد، در تعارض است. (موسو فرهنگی، ۱۳۷۷، ۳۸).

میان زن و مرد تفاوت‌هایی تکوینی وجود دارد. اما این تفاوتها و اختلافات طبیعی است و قوای زن و مرد را نباید به حساب برتری یکی بردیگری دانست. زن و مرد مانند دوسپاره‌ای هستند که در منظومه خلقت در دو مدار مختلف اما هماهنگ با یکدیگر به سوی مقصدی واحد در حرکت می‌باشند، ارزش فراتر یا فروتر، به طبیعت آنان ارتباطی ندارد بلکه به «تقوای برتر» رجعت دارد.

انسانها اعم از زنان یا مردان موجوداتی در حال «شدن» می‌باشند. زنان همچون مردان در جهت سیر به سمت غایت خویش در حرکتند. غایتی که در پایان راه انتخابی انسانها تعبیه شده است غایتی که با سیر در صراط مستقیم بدان می‌رسند. به همین جهت مطلوب هدایت به صراط مستقیم اسلام یا سایر ادیان آسمانی متضمن تحقق انسانیت انسانها اعم از زن و مرد است. پیمودن راه انتخابی پیامبران آسمانی در قالب احترام به ضوابط دینی بی‌درنگ متضمن

خوشبخت شدن انسانها و تحقق فردیت زنان و مردان است. ضوابط دینی نه تنها اسلامی است بلکه انسانی است. این یکی از اصول و موضوعات امام خمینی در مقوله زنان است.

اسلام در دیدگاه امام خمینی (ره) دارای احکام خاص برای زنان است. این احکام خاص محدودیتی برای زنان در مقابل مردان ایجاد نمی‌کند. زیرا برای مردان نیز احکام خاصی دارد. محدودیت‌ها هم انحصار به بانوان ندارد محدودیت‌هایی نیز خاص آقایان است.

دیدگاه امام خمینی در مقوله زنان مبتنی بر تقابل‌گرایی زنان و مردان نیست همچنان که مبتنی بر ترجیح یکی بر دیگری نمی‌باشد. بلکه مبتنی بر نوعی «تناسب‌گرایی» است. یعنی از بخشی احکام اسلامی بین زنان و مردان مشترک است.

#### قوانین خاص مردان و قوانین خاص زنان

این قوانین خاص نیز مبتنی بر تناسب‌گرایی است یعنی متناسب با وضعیت جسمی و طبیعت متفاوت زن و مرد است. این طبیعت متفاوت و مادرزاد زنانگی و مردانگی برخلاف دیدگاه‌های فمینیست‌های رادیکال، باید مدنظر قرار گیرد. زیرا نیل به غایت وجودی زنانگی و صراط مستقیم زنانگی متوقف بر رعایت آن است. زنان نمی‌توانند با ویژگی‌های طبیعی خود، به جنگ بروند و راهی برگزینند که بر خلاف رودخانه وجودی آنان است.

«اسلام با هیچ‌یک از این مظاهر تمدن مخالفت ندارد و با هیچ قشری از شماها مخالفت ندارد... البته یک احکام خاص به مرد است که مناسب با مرد است. یک احکام خاص به زن است که مناسب با زن است. این، نه این است که اسلام

نسبت به زن و مرد فرقی گذاشته است.» (امام خمینی، ۱۳۵۷، ص ۵۹)

انسانیت زنانه یا مردانه، روح اوست که بخش مشترک زنان و مردان است نه جسم او که وجه تفاوت آنان است.

همین هستی‌شناسی است که از اساس، مبنای باید شناسی را دگرگون می‌کند به همین دلیل امام خمینی (ره) می‌گوید:

«از حقوق انسانی، تفاوتی بین زن و مرد نیست. زیرا که هر دو انسانند...» (امام خمینی، ۱۳۵۷، ۴۹).

#### هدف مندی خلقت

طبیعت انسان اعم از زن و مرد بر مبنای هدف آفرینش شکل یافته است. این واقعیت با آنچه برخی گروه‌های فمینیستی بر آن پای می‌فشارند و طبیعت را مسئول ظلم تاریخی به زنان می‌دانند و بر این باورند که پیشرفت‌های بشری بر خلقت طبیعی بشر غلبه پیدا خواهد کرد، در تعارض است. (موسو فرهنگی، ۱۳۷۷، ۳۸).

میان زن و مرد تفاوت‌هایی تکوینی وجود دارد. اما این تفاوتها و اختلافات طبیعی است و قوای زن و مرد را نباید به حساب برتری یکی بردیگری دانست. زن و مرد مانند دوسپاره‌ای هستند که در منظومه خلقت در دو مدار مختلف اما هماهنگ با یکدیگر به سوی مقصدی واحد در حرکت می‌باشند، ارزش فراتر یا فروتر، به طبیعت آنان ارتباطی ندارد بلکه به «تقوای برتر» رجعت دارد.

انسانها اعم از زنان یا مردان موجوداتی در حال «شدن» می‌باشند. زنان همچون مردان در جهت سیر به سمت غایت خویش در حرکتند. غایتی که در پایان راه انتخابی انسانها تعبیه شده است غایتی که با سیر در صراط مستقیم بدان می‌رسند. به همین جهت مطلوب هدایت به صراط مستقیم اسلام یا سایر ادیان آسمانی متضمن تحقق انسانیت انسانها اعم از زن و مرد است. پیمودن راه انتخابی پیامبران آسمانی در قالب احترام به ضوابط دینی بی‌درنگ متضمن

خوشبخت شدن انسانها و تحقق فردیت زنان و مردان است. ضوابط دینی نه تنها اسلامی است بلکه انسانی است. این یکی از اصول و موضوعات امام خمینی در مقوله زنان است.

اسلام در دیدگاه امام خمینی (ره) دارای احکام خاص برای زنان است. این احکام خاص محدودیتی برای زنان در مقابل مردان ایجاد نمی‌کند. زیرا برای مردان نیز احکام خاصی دارد. محدودیت‌ها هم انحصار به بانوان ندارد محدودیت‌هایی نیز خاص آقایان است.

دیدگاه امام خمینی در مقوله زنان مبتنی بر تقابل‌گرایی زنان و مردان نیست همچنان که مبتنی بر ترجیح یکی بر دیگری نمی‌باشد. بلکه مبتنی بر نوعی «تناسب‌گرایی» است. یعنی از بخشی احکام اسلامی بین زنان و مردان مشترک است.

#### قوانین خاص مردان و قوانین خاص زنان

این قوانین خاص نیز مبتنی بر تناسب‌گرایی است یعنی متناسب با وضعیت جسمی و طبیعت متفاوت زن و مرد است. این طبیعت متفاوت و مادرزاد زنانگی و مردانگی برخلاف دیدگاه‌های فمینیست‌های رادیکال، باید مدنظر قرار گیرد. زیرا نیل به غایت وجودی زنانگی و صراط مستقیم زنانگی متوقف بر رعایت آن است. زنان نمی‌توانند با ویژگی‌های طبیعی خود، به جنگ بروند و راهی برگزینند که بر خلاف رودخانه وجودی آنان است.

«اسلام با هیچ‌یک از این مظاهر تمدن مخالفت ندارد و با هیچ قشری از شماها مخالفت ندارد... البته یک احکام خاص به مرد است که مناسب با مرد است. یک احکام خاص به زن است که مناسب با زن است. این، نه این است که اسلام

نسبت به زن و مرد فرقی گذاشته است.» (امام خمینی، ۱۳۵۷، ص ۵۹)

«مرد و زن هر دو شان در اسلام اختیارات دارند، اگر اختلافاتی هست، برای هر دو هست و آن مربوط به طبیعت (متفاوت) آنان است» (امام خمینی، ۱۳۵۷، ص ۳۳)

فرضیه دیگری که در دیدگاههای امام قابل طرح است، آن است که «تساوی آری، تشابه نه». امام در این باره می‌فرماید: «اسلام زن‌ها را در مقابل مردها قرارداد، نسبت به آنها تساوی دارند.» (امام خمینی، ۱۳۵۷، ص ۵۹)

اما تا اینجا بر حقوق مساوی زنان تصریح دارند اما در ادامه همین بیان بی‌درنگ بر عدم تشابه حقوق آنان تاکید می‌ورزند.

«البته یک احکام خاصی به زن است. مناسب با زن است، این، نه این است که اسلام نسبت به زن و مرد فرقی گذاشته است.» (امام خمینی، ۱۳۵۷، ص ۵۹)

مرحوم شهید مطهری این مضمون را در تعبیر دیگری بیان کرده است. «اسلام برای زن و مرد در همه موارد یک نوع حقوق و یک نوع وظیفه و یک نوع مجازات قائل نشده است. پاره‌ای از حقوق و تکالیف و مجازاتها را برای مرد مناسب‌تر دانسته و پاره‌ای از آنها را برای زن.» (مطهری، ۱۳۵۹، ص ۱۲۳). اسلام حقوق یکجور و کاملاً یکنواختی برای زن و مرد قائل نشده ولی هرگز امتیاز و ترجیح حقوقی برای مردان نسبت به زنان قائل نیست. اسلام اصل مساوات انسانی را درباره زن و مرد رعایت کرده است. اسلام با تساوی حقوق زن و مرد مخالف نیست، با تشابه حقوق آنها مخالف است. (مطهری، ۱۳۵۹، ص ۱۱۵) «برابری حقوق زن و مرد از نظر ارزش‌های مادی و معنوی یک چیز است و همانندی و هم‌شکلی و همسانی، نه چیز دیگر.» (مطهری، ۱۳۵۹، ص ۱۱۶)

آیت ... جوادی آملی از این مضمون با عنوان عنصر محوری دیگر در تبیین حقوق زنان با عنوان عنصر «هویت صنفی زن» یاد می‌کند. به نظر وی «برای ترسیم حقوق زن بررسی دو عنصر محوری لازم است: یکی شناخت اصل

انسانیت که حقیقت مشترک بین زن و مرد است و دیگری هویت صنفی زن که واقعیت مختص به اوست.

هویت صنفی حق تکلیف مختص برای زن ایجاد می کند. بنابراین زنان از زاویه انسان بودن با مردان متساوی الحقوق اند. اما از زاویه زن بودن و هویت متمایز خود در مواردی دارای حقوق و تکالیف غیرمتشابه با مردان اند. همچون نقش مادری زنان و نقش پدری مردان که طبعاً وضعیت های متفاوتی را برای آنان ایجاد می کند. (منصور نژاد، ۱۳۸۳، ۳۱۱) همین طبیعت زنانه و طبیعت مردانه موجب شده است تا فمینیست ها، بکوشند همین طبیعت را تغییر دهند تا از دو گانگی ذاتی نجات یابند.

انکار تفاوت های طبیعی و یا پذیرش این تفاوتها بین زن و مرد تصریح بر اینکه، نباید در امر قانون گذاری و احکام تفاوت های زیستی و طبیعی مورد توجه قرار گیرند، فرضیه اساسی مواد کنوانسیون و کنفرانس های زنان است. بر همین مبنا «تشابه محور» زنان با مردان و شعار تساوی و برابری و اذعان نابرابری های جنسی در دستور کار آنان قرار گرفته است. (هاجری، ۱۳۸۳، ۲۰)

در گزاره های مدرنیته و فمینیستی - حتی نوع معتدل آن - انسانیت در «مرد بودن» خلاصه می شود و لباس مردانگی می پوشد. مدرنیته، زنانگی را بر نمی تابد و اعلم می کند: «برای انسان شدن، زنان را تا حد امکان باید به مردان شبیه ساخت.» در گزاره های فمینیستی زن و زنانگی ناخواسته تحقیر می شود، آن قدر که در نهایت در وجود مرد محومی شود. فمینیسم در حقیقت دفاعی مردانه از زنان است که از نادیده انگاری و تحقیر ویژگی های طبیعی زنان شروع می شود. از ضرورت مشابهت زنان به مردان درمی گذرد و به قداست و برتری ناآگاهانه جنس مرد ختم می شود. (هاجری، ۱۳۸۳، ۱۳۹)

در حالی که دیدگاههای سلفی و مردانگاران کهن و متحجرانه، آن قدر در تفاوت‌های زن و مرد غرق شد که در نهایت زن را به دلیل مرد نبودن از انسانیت ساقط کرد و حقوق انسانی را نادیده انگاشت. (ماجری، ۱۳۸۳، ۱۲۹)

دیدگاههای مدرنیته و فمینیستی زنانگی زنان را و دیدگاههای سلفی انسانیت زنان را نادیده انگاشته‌اند. اما در دیدگاه امام خمینی (ره) که همان دیدگاه اسلام است، اولاً انسانیت زن انکار نمی‌شود و سنگ بنای مباحث را تشکیل می‌دهد. ثانیاً زنانگی زنان نیز به دلایل تفاوت‌های طبیعی نادیده گرفته نمی‌شود. در این دیدگاه زن به قرص ماه تشبیه می‌شود که نیمه از آن انسانیت مشترک او با مردان و نیمه دیگر زنانگی خاص اوست.



شادمانه زیستن و خوشبختی زنان در آن است که به «فردیت» خاص خود برسند و این مهم بدون ملاحظه «زنانگی» آنان ممکن نیست.

خلط مفاهیم تساوی با عدالت یا نابرابری با تبعیض در مدافعان حقوق زنان در کنوانسیون‌های زنان و کنفرانس‌های بین‌المللی زنان از مواردی است که آن را ناسازگار با مفاهیم شرقی و سنتی دینی می‌کند. به عبارت دیگر کنوانسیون هرگونه نابرابری را تبعیض و هر تساوی را عدالت فرض کرده است. در حالی که میان این دو مقوله نابرابری و تبعیض رابطه «عموم و خصوص من وجه» برقرار است. بدین معنا که: الف) برخی نابرابری‌ها، تبعیض هم هست. مثل اینکه قاضی دزدی را آزاد و بی گناهی را به جرم دزدی حبس کند.

ب) برخی نابرابری‌ها، تبعیض نیست بلکه عین برابری است. مثل اینکه قاضی فرد بی‌گناه را تبرئه و مجرم را مجازات کند. این برخورد دو گانه قاضی اگر چه

برابر و مساوی نیست، تبعیض و بی عدالتی نیست و عین عدالت است  
(عاجری، ۱۳۸۳، ۲۶)

در کتاب راهنمای آموزشی اقدامات محلی و تغییر جهانی که توسط صندوق توسعه زنان ملل متحد (UNIFEM) و مرکز رهبری جهانی زنان (CWGL) تهیه و تنظیم شده است چنین آمده است:

«برابری الزاماً به این معنا نیست که با همه افراد به شیوه‌ای یکسان رفتار شود. هنگامی که مردم در موقعیت‌های نابرابر قرار دارند، رفتار کردن با آنان به شیوه‌ای یکسان همواره، بی‌عدالتی را تداوم می‌بخشد. در این مفهوم است که ما تأکید می‌کنیم در حقوق بشر بی‌طرفی جنسی وجود ندارد، نقش حقوق و راحل‌های آنها را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن موقعیت‌های نابرابری مردان و زنان جامعه به بحث گذاشت.» (عاجری، ۱۳۸۳، ۲۸)

#### تعبیر در برابر احکام دنیای حکیم

قوانین و احکامی که از ناحیه خداوند وضع شده است، حکیمانه و بر اساس رعایت مصالح و پرهیز از مفاسد است. هر یک از احکام به منظور رعایت مصالح انسانهاست و در صدد سود رسانی به آنان و یا دفع ضرر از آنان است. اما در مواردی از بانوان می‌خواهند که با توجه به اصل کلی وضع احکام از سوی خداوند بر مبنای مصلحت‌بندگان از آنها پیروی کنند:

«هم در مواردی است که چیزهایی به دلیل پیدایش مفسده بر او حرام و هم در زن مواردی هست که بدلیل اینکه مفسده می‌آفریند، حرام است.» (م. ۱۳۷۷، ۴۲)

#### ضرورت توجه به نگاه اخلاقی و عدم کفایت نگرش حقوقی

نگاه امام در مقوله زنان متأثر از نگاه کلی ایشان به هستی و اسلام‌شناسی ایشان است. امام در این باب اولاً بر نگرش و اعتقادات و مباحث هستی‌شناسی تأکید دارند و ثانیاً تأکید بر رعایت حدود الهی و مرزبندیهای فقهی دارند و ثالثاً بر جنبه‌های



اخلاقی و سازش و مدرا و گذشت در مسائل زنانگی توجه دارند. حقوق به تنهایی نمی‌تواند میان انسانها تفاهم و همدلی ایجاد کند همان‌سان که اخلاق نیز به تنهایی نمی‌تواند زندگی اجتماعی را سامان دهد. همان‌طور که قانون زدگی نمی‌تواند خلالتنظیم روابط و شفافیت بین انسانها را تعریف کند. فمینیست‌ها می‌کوشند تنها با نگاهی حقوقی به روابط زن و مرد، مسائل زنان را حل کنند. (م، ۱۳۷۷، ۱۲) در حالی که خود آنها هم بعضاً قائل‌اند که در بسیاری از موارد قوانین لازم هم وجود دارد اما باز مسائل لاینحل باقی مانده‌است. اینجاست که الگوی توأمان فقهی و اخلاقی امام خمینی (ره) در جوامع مسلمان می‌تواند راهگشا باشد.

زبان و ادبیات گفتاری و نوشتاری امام خمینی (ره)، ادبیاتی انسانی یعنی ترکیبی از مخاطب قراردادن زن و مرد به طور توأمان است. برای دقت بیشتر می‌توان به تحلیل یکی از محققان زن از اعلامیه‌ای در دوران مشروطه توجه کرد که به نظر وی حقوق زنان در آن نادیده گرفته شده‌است. محقق نتیجه می‌گیرد که صرفاً پسران و پدران یعنی جنس ذکور مخاطب مستقیم قرار گرفته‌اند:

«برخیزید مثل مردان، پیش از آنکه مثل زنان بمیرید، ای پسران پدرهای غیور، دیگر جان‌های خودتان را برای کدام رختخواب زنان گذاشته اید؟» (نجم‌آبادی، ۱۳۷۷، ۵۲).

در حالی که در ادبیات نوشتاری و گفتاری امام خمینی (ره) زنان و مردان را یا «همدوش» یا حتی زنان را «پیشقدم» دانسته‌است. حتی در مواردی زنان به عنوان «رهبر» مخاطب قرار گرفته‌اند:

«اکنون که با عنایت خداوند متعال و فعالیت ملت عظیم شان به ویژه بانوان و زنان شیردل دست ستمکاران کوتاه شده‌است...» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ۱۲۵)

باگذری به تعبیری که امام خمینی (ره) در سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ خطاب به ایرانیان به کار برده‌اند و کوشیده‌است که آنان را به نوعی آگاهی و یا

نوعی عمل فراخوان دعوت کند، همگی تعبیری عام نظیر «ملت ایران»، «ملت» یا مردم ایران است که هم ناظر بر زنان و هم مردان است. هر چند تعبیر ایشان در باب زنان بعد از پیروزی انقلاب دارای ارزش و مرتبت والاتری است و آنان را بر مردان هم تقدم می دهد.

#### نگاه امام به زنان از منظر عرفان

نگاه امام خمینی (ره) در حفظ زنان متأثر از انسان شناسی عرفانی ایشان است.\* در این منظر زنان و مردان هر دو مخلوقات خداوند می باشند. دکتر اعوانی نیز در باب عرفان و زنان از دیدگاه امام خمینی (ره) گفته اند، سؤال وجود شناسی در باب وجود زن و وجود مرد و اینکه اصلاً چرا زن و مردی هست؟ از دیدگاه فلسفی و عرفانی امام راحل به آیه «یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحده و خلق منها زوجها و بث منهما رجالاً کثیراً و نساءً و اتقوا الله تسائلون به والا رحام ان الله کان علیکم رقیباً» توجه داشتند. در این آیه اسم خدا را با رحم و ارحام مساوی کرده است. عرفا با توجه به این آیه و یا آیات مشابه روایاتی که درباره رحم است، از لحاظ وجودی بحثهای مهمی کرده اند. امام خمینی (ره) به ابن عربی اخلاص خاصی داشت حتی در نامه اش به گورباچف دعوت به مطالعه آثار ابن عربی کرد. او می گوید؛ خداوند زن و مرد را با دو دست خودش آفریده است. یکی از آنها دست جلال و دیگری دست جمال است. قیصری، امام خمینی (ره) کتابی در تفسیر قیصری نوشته است، این دو دست را قابلی و فاعلی می داند. زن و مرد لازم و ملزوم و زوج و مکمل ساز یکدیگرند نه ضدهم. بنابراین از دیدگاه ابن عربی زنان هم در حد مردان این قابلیت را دارند که

\* برای بررسی ابعاد نظریه انسان شناسی عرفانی - سیاسی امام خمینی بنگرید: نورا... قیصری، نگاههای اجمالی بر برخی وجود انسان شناسی سیاسی - عرفانی امام خمینی، پژوهشنامه علوم انسانی، دانشگاه بین المللی امام خمینی،

تمام مراتب و مقامات و صفاتی را که در سلوک آقایان کسب می‌کنند، به دست بیاورند و هیچ تفاوتی قائل نمی‌شود و امام هم این شخصیت را برای زنان قائل می‌شوند. (عرفانی، ۱۳۷۸، ص ۵۶۴) از نظر امام خمینی (ره) زنان و مردان هر دو نشانه‌هایی از وجود خالق و خداوند تبارک و تعالی می‌باشند. از منظر امام خمینی (ره) همچون دیگر عارفان بزرگ از جمله محی‌الدین عربی، زنان را در منزلت بالاتری از مردان قرار می‌دهد و این نگاهی است که تبعاتی در برداشت‌های فقهی و سیاسی و کلامی امام خمینی (ره) در مقوله زنان است و موجب می‌شود که فقه امام متأثر از عرفان امام در مقوله زنان شود.

از نظر عارفان زنان به طور مضاعف آیت و نشانه خداوند می‌باشند. خداوند در مردان یک بار و در زنان دو بار تجلی کرده است. مرد فقط مظهر قبول و انفعال یعنی خلق خداوند است اما زنان هم مظهر خلق و هم مظهر فعل و تاثیر الهی می‌باشند. به همین دلیل در روند انقلاب اسلامی ایران و سایر حوادث مهم، زنان نقشی پیش‌تازانه داشته‌اند و این زنان بوده‌اند که هم مشارکت سیاسی داشته‌اند و هم مردان را به دنبال خود کشانده‌اند و یا عاملی در جهت بالابردن انگیزه مشارکت مردان بوده‌اند.

نگرش امام از زنان تحت تاثیر نگرش عرفانی امام (ره) از حضرت فاطمه (س) است. امام با اشاره به ورود جبرئیل بر ایشان، فاطمه زهرا (س) را در فضیلتی شریک می‌داند که در انحصار انبیاء خاص نظیر رسول خدا (ص)، موسی، عیسی و ابراهیم بوده است. از سوی دیگر در تفکر عرفانی و ناب امام خمینی (ره) «انسان» به عنوان مظهر اتم که واجد تمام مراتب غیب و شهود است، آیت کبری الهی، خلیفه در زمین و کتاب کلی الهی معرفی شده است و به اعتبار کتاب بودن، انسان کامل همان قرآن و معنای بلند قدر است و قرآن همان انسان کامل است که حقیقت

هر دو در حضرت متحدند و وجود مبارک حضرت زهرا(س) آیت کامل الهی و قرآن ناطق و تفسیر ناب تنزیل در ليله القدر و وجود مبارکش تا مطلع فجر انسان کامل آخرالزمان است. آخرین فراز امام(ره) در کتاب الصلوه به نقل دیدگاه خود از بیان شیخ عارف شاه‌آبادی در باب حدیثی از حضرت امام موسی بن جعفر (ع) می‌پردازد:

« در حدیث است که نصرانی گفت به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام که تفسیر باطن «حم و الکتاب المبین انا انزلناه فی ليله مبارکه انا کنا منذرین فیها یفرق کل امر حکیم» چیست؟ فرمود: اما «رحم» محمد صلی الله علیه و آله است و اما «کتاب مبین» امیرالمؤمنین علی است و اما «لیله» فاطمه علیها السلام است\*  
شیءوارگی و استفاده ابزاری از زنان، در دیدگاه امام خمینی (ره)

امام خمینی «شیءوارگی» و استفاده ابزاری از جاذبه های زنانگی تاکید می‌ورزند. وی با همه نگرش‌ها و رفتارهایی که بر «فریبا بودن» زن تاکید می‌شود، مخالفت می‌کند. زیرا در این نگرشها و رفتارها، زنان را همچون خدمت گزاران مرد و در خدمت تحقق اهداف مردانه می‌داند و منزلت آنان را تا حد کالایی جهت تفریح و تفنن و عیاشی آقایان کاهش می‌دهد. این شیءوارگی موجب از خودبیگانگی زنان می‌شود و شأن و منزلت آنان را بشدت مخدوش می‌کند و به جایگاه «جنس درجه دو» تنزل می‌دهد. جنسی که خود هدف نیست. بلکه در خدمت هدف‌های جنسی مردانه است و یا در فرآیندی پیچیده‌تر از سکس زنان به مثابه ابزاری برای مقاصد برنامه‌های سیاسی سیاستمداران بهره‌گرفته‌شود و یا جاذبه‌های این جنس لطیف در خدمت تبلیغات تجاری سرمایه داران قرارگیرد. امام خمینی با همه این

\* آداب الصلوه، صص ۳۲۹-۳۳۰ و در باب دیدگاه عرفانی امام به فاطمه زهرا (س) بنگرید به مقالات زیر از مجموعه مقالات کنگره ۱۳۸۷، جلد اول

اشکال توهین آمیز به شأن و منزلت زنان به دلیل شیء وارگی و از خود بیگانگی زنان مخالفت می ورزند.

«اسلام خواسته است که زن ملعبه دست مرد نباشد.» (امام عینی، ۱۳۵۷، ۸۲)

### روشهای مبارزه با شیء وارگی زنان در نگاه امام

#### ۱- رعایت حجاب اسلامی

حجاب اسلامی زنان خود یکی از سازوکارهای تحقق این فردیت و مبارزه با شیء وارگی زنان است. شیء وارگی و استفاده هوس آلودانه از زنان، آنان را از حقوق و غایات طبیعی و تحقق فردیت و صراط مستقیم زنانگی خارج می کند. قوانین اسلامی از جمله حجاب اسلامی (در اشکال گوناگون آن نه لزوماً چادر) به مثابه تجلی اسلامی است که عین انسانیت زنان است. حجاب اسلامی هویت زنان را حفظ می کند و به آنان مصونیت می دهد.

«در اسلام زن باید حجاب داشته باشد... اسلام نمی خواهد زن به عنوان یک شیء و یک عروسک در دست ما (مردان) باشد، اسلام می خواهد شخصیت زنان را حفظ کند و از او انسانی جدی و کارآمد بسازد. ما هرگز اجازه نمی دهیم زنان فقط شیئی برای مردان و آلت هوس رانی باشند.» (شادلو، ۱۳۷۷، ۱۰۶)

#### ۲- نقش تربیتی زنان در انسان سازی

رشد و یا انحطاط جوامع در گرو فعالیت زنان است. زنان در محیط خانواده، در اجتماع، در دولت و در جامعه بین المللی دارای نقشی فعال می باشند. بویژه اگر منظر عرفانی زنان مد نظر قرار گیرد. در چنین دیدگاهی یکی از بارزترین نقش های زنان که حتی در جهت تعمیق و گسترش یابی حقوق خود زنان، موثر است، نقش انسان سازی است. در دیدگاهی که غایت محور است و می کوشد انسانها را به انسانیت خود نزدیک سازد و فردیت آنان را محقق سازد و سازوکار این فردیت را

اسلامیت و رعایت ضوابط اسلامی می‌داند، کارکرد تربیتی دولت‌ها و اجتماعات و خانواده‌ها بسیار مهم است. درچنین قالبی نقش تربیتی زنان، تعیین کننده‌ترین نقش است. اگر این نقش تربیتی و انسان سازی به درستی انجام نشود، انسانیت انسان چه زنانه چه مردانه تولد نخواهد یافت و اضطراب درونی و افسردگی‌ها، فسادها، جنایت‌ها، جنگ‌ها و خشونت‌ها ادامه خواهد یافت. صلاح و فساد جوامع از زنان است.

«قرآن انسان ساز است و زنان هم انسان ساز، اگر زنان شجاع و انسان ساز از ملت‌ها گرفته شوند، ملت‌ها به شکست و انحطاط کشیده می‌شوند.» (امام خمینی، ۱۳۵۷، ۱۱۲)  
 «زن یکتا موجودی است که می‌تواند از دامن خود افرادی را به جامعه تحویل دهد که از برکاتشان یک جامعه، بلکه جامعه‌ها به استقامت و ارزشهای والای انسانی کشیده شوند، می‌تواند بالعکس باشد.» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ۱۱۶)

#### اعتقاد امام به نقش تعیین کننده زنان در سیاست

امام نگاهی با عظمت به نقش و کارگزاری زنان دارند. این نقش می‌تواند در جهت مثبت یا منفی اعمال شود. متغیر اصلی در سقوط و فساد جوامع و تمدن‌ها و یا برعکس در رشد و توسعه اصلاح جوامع، زنان می‌باشند. در چنین رهیافتی است که می‌توان از منظر امام خمینی (ره) به نقش‌های اجتماعی و سیاسی زنان نگریست. امام در یک گزاره کلی می‌فرماید:

«نقش زنان در عالم از ویژگیهای خاصی برخوردار است. صلاح و فساد یک جامعه از صلاح و فساد زنان در آن جامعه سرچشمه می‌گیرد.»

دیدگاههای اما در باب رفتار سیاسی زنان و واقعیت مشارکت سیاسی زنان ایرانی را می‌توان به شکل‌های گوناگون تشریح کرد. امام در مناسبتی به بیان

واقعیت مشارکت زنان در تاریخ معاصر ایران می‌پردازد و آن را به سه مقطع یا

قطعه تقسیم می‌کند و نقش زنان را در هر سه دوره بررسی می‌کند: (امام خمینی، ۱۳۵۸، ۱۳۳)

الف) از صد سال قبل مشروطه تا زمان مشروطیت و بعد از مشروطه تا زمان رضا شاه؛

ب) دوره محمد رضا شاه؛

ج) دوره جمهوری اسلامی و نقش آنان در انقلاب و جنگ تحمیلی و سایر تحولات این دوره.

از حیث محتوایی نیز دیدگاه‌های امام خمینی (ره) در باب رفتار سیاسی زنان در دو مقطع زمانی سالهای (۴۳-۱۳۴۱) و سالهای (۶۸-۱۳۵۶) کاملاً متفاوت می‌نماید. امام در سالهای ۴۳-۱۳۴۱ با موضوع تساوی زنان که در خلال لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی آمده بود و در دورانی که حکومت در دست ولی فقیه نبود، مخالفت می‌ورزند و آن را نفی حکم ضروری اسلام می‌دانند به‌ویژه که سابقه کشف حجاب نیز در میان بود:

«از تساوی حقوق، اظهار تنفر کنید و از دخالت دادن زنها در اجتماعی که مستلزم مفاسد بی‌شمار است، ابراز انزجار و دین‌خدا را یاری کنید.»

امام در سالهای ۶۸-۱۳۵۶ چه در اظهاراتی که در پاسخ خبرنگاران در باب مسائل زنان می‌کنند و چه در قالب تقریر رفتار سیاسی زنانی که در تظاهرات و... اجتماعات ظاهر می‌شدند و یا در سایر فعالیت‌های اجتماعی نظیر تحصیل، شغل شرکت می‌جستند، تحولی عظیم و انقلابی در این حوزه گشودند.

در چنین وضعیتی در بحبوه انقلاب زنان در تظاهرات حضور می‌یافتند. فقها و رهبران دینی - سیاسی نه تنها به این حضور آنان اعتراض نکردند، بلکه بر حضور انبوه و مترکم آنان تاکید ورزیدند. بنابراین سد عظیم و مانع مستحکم

حضور سیاسی، اجتماعی زنان، یکباره شکست و این طبیعی می‌نمود که حضور آنان در سایر فعالیتهای اجتماعی نظیر مشاغل کارشناسی، کارمندی و تصدی مسئولیت های مدیریتی نیز مجاز می‌شد.<sup>\*</sup>

آنچه مانع اصلی مشارکت زنان، متأثر از روایاتی در این باب یا فرهنگ اسلامی بر می‌آمد نفس حضور زنان در جامعه بود و با زوال این علت العمل به یکباره گشایشی در رفتار سیاسی و اجتماعی زنان ایجاد شد. بنابراین تجویز امام خمینی (ره) به عنوان یک مرجع تقلید مبنی بر ضرورت حضور متراکم زنان و مردان در تظاهرات و صحنه های انقلاب، عملاً مضمون بسیاری از روایات را به نفع حضور اجتماعی - سیاسی زنان تفسیر کرد و یا فرهنگ غلط مسلمانی مردمان را اصلاح کرد و به مساوات حقوقی زنان با مردان در حقوق سیاسی و اجتماعی کمک کرد و ظرفیت عظیم زنان را در جهت پیروزی انقلاب مهیا کرد. اگر بخواهیم معنای انقلابی یعنی دگرگونی عظیم و بنیادین ارزشها را در انقلاب محک بزنیم، از بهترین مصادیق ماندگار این تحولات ارزشی، همین حقوق زنان است.

گفته شد که دیدگاههای امام در دو مقطع دهه پنجاه با دهه شصت با یکدیگر متعارض می‌نماید. در دوره پنجاه با ورود زنان در ادارات و دستگاههای دولتی مخالفت می‌ورزند. (امام خمینی، ۱۳۷۳، ۲۷) در حالی که دردی ماه ۱۳۵۷ امام از حقوق زنان دفاع همه جانبه ای می‌کنند :

«چرا با درس خواندن زن مخالف باشیم؟ چرا با کار کردن او مخالف باشیم؟ چرا زن نتواند کارهای دولتی انجام دهد؟ چرا با مسافرت کردن زن مخالفت

<sup>\*</sup> حتی فمینیست های ایرانی نیز چنین تحولی را می پذیرند: مهر انگیز کار، حقوق سیاسی زنان، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۷۶، ص ۳۵-۳۳.

برای بررسی بیشتر نقش زنان در انقلاب بنگرید: محمد حسین حافظیان، زنان و انقلاب، تهران، اندیشه برتر، ۱۳۸۰، ص ۱۶۱، گفتار هفتم.



کنیم؟ زن چون مرد در تمام اینها آزاد است. زن هرگز با مرد فرقی ندارد...؟ (اسام خمینی، ۱۳۵۷، ۱۰۳)

این تعارض چگونه قابل حل است؟ به نظر می‌رسد درک این دو موضع متفاوت امام خمینی (ره) از دریچه فقه سیاسی قابل فهم است. یکی از دلایل مخالفت امام خمینی (ره) آن بود که ساختار نظام فاسد و طاغوتی بود در چنان ساختاری، همه چیز و هرگونه اقدامی را مضر و مفسده‌آمیز می‌دانستند. اما وقتی ساختار اصلاح شود، این گونه اقدامات، وضعیتی دیگر پیدا می‌کند.

این دو موضوع در واقع دو حکم فقهی متفاوت است. اما تفاوت این دو حکم معلول دو موضع متفاوت است. از آنجا که حکم شناسی تابعی از تحول موضوع شناسی است. به دلیل تحول موضوع، شاهد تحول حکم بوده‌ایم. دگرگونی زمان و مکان تحول موضوع از این احکام متعارض رمزگشایی می‌کند.

«زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند. مساله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مساله در روابط حاکم بر سیاست و اقتصاد یک نظام، ممکن است، حکم جدیدی پیدا کند، بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهرأ حکم جدیدی می‌طلبد.» (اسام خمینی، ۱۳۵۷، ۹۸)

آنچه در هر دوره ثابت است، دغدغه دینی و جلوگیری از مفسده است و چون نظام شاهنشاهی دغدغه دینی نداشته و برعکس بستر و انگیزه فساد داشته است. امام با حضور زنان مخالفت ورزیده است. امام در نظام جمهوری اسلامی با آن حضور موافقت کرده‌اند و رعایت موازین اسلامی نظیر حجاب را ضروری می‌دانند. «در وزارتخانه‌های اسلامی نباید معصیت بشود. در وزارتخانه‌های اسلامی نباید زن‌های

لخت بیایند. زن‌ها بروند، اما با حجاب باشند. مانعی ندارد بروند، اما کار نکنند، لکن با حجاب شرعی باشند، با حفظ جهات شرعی باشند.»

بنابراین می‌توان به این جمع بندی رسید که «از نگاه امام خمینی (ره) زنان با حفظ عفاف و حجاب اسلامی در عرصه‌های اجتماعی-سیاسی، مانند مردان حضور می‌یابند.»  
**وجه سلبی با الگوی متحجران**

آموزه امام خمینی در الگوپردازی از زن مسلمان ایرانی در تقابل با دو الگوی متحجرین مقدس مآب و الگوی شبه مدرنیسم محمد رضا شاه جلوه گرمی شود. در واقع برخی از مشخصه‌های این الگو از باب «تعرف الاشياء باضدادها» در وجه سلبی ابعاد الگوهای رقیب شناخته می‌شود.

نگاه متحجرین به زنان از حیث شخصیتی و به ویژه فعالیت‌های اجتماعی و حضور اجتماعی و سیاسی آنان منفی است. در حالی که دید امام از هر جهت شخصیتی و زیستی و نیز فعالیت اجتماعی و سیاسی کاملاً مثبت است.

#### **وجه سلبی با الگوی شبه مدرنیسم پهلوی**

بخشی دیگر از ابعاد نگرش امام در مسائل زنان حاصل نقد و مردود اعلام کردن ابعاد الگوی زنانگی پهلوی است. ضدیت نگرش امام با این الگو در ابعاد چندگانه‌ای قابل توجه است.

امام اولاً فکر «فریبا بودن» زن که از سوی شاه ترویج می‌شد، را مردود می‌شمرد: «اینطوری که اینها زن را می‌خواهند باریا و رند که یک ملعبه‌ای در دست مردها باشد و به قول شاه «زن خوب است فریبا باشد» ما می‌خواهیم این کلام را بگیریم، این غلط را بگیریم.» (امام خمینی، ۱۳۵۷، ص ۵۹)

«شاه برای زن این خاصیت را قائل بود که می‌گفت: «زن باید فریبا باشد...» از مقام انسانیت زن را فروکشید به مرتبه یک حیوان. به اسم اینکه می‌خواهد مقام

درست کند زن را از آن مقام خودش پایین آورد زن را مثل یک عروسک درست کرد در صورتی که زن انسان است آن هم یک انسان بزرگ. (امام خمینی، ۱۳۵۸، ۱۸۵)

ثانیاً امام لبه انتقادات خود را معطوف به زنان نمی کرد بلکه از آنان به عنوان «بانوان مظلوم» یا «ظلم مضاعف زنان» یاد می کرد. :

« آنچه در این پنجاه سال روزگار سیاه به دست این رژیم سیه روی به ملت عزیز ایران بویژه بانوان مظلوم آن گذشت با طرح و نقشه از پیش حساب شده ابر جنایت کاران جهان بوده است. (امام خمینی، ۱۳۶۱، ۱۲۷)

« این خائن تبهکار بادیستاری عمالی با هموطنشان چه کردند و برای پیروزی هر چه سریعتر نقشه های شان چه راههایی را برای انحراف و مصرفی نمودن و به فساد کشاندن بانوان مظلوم در پیش گرفتند. (امام خمینی، ۱۳۶۱، ۱۲۷)

« زن در دو مرحله مظلوم بوده است : یکی در جاهلیت زن مظلوم بود... در یک موقع دیگر در ایران ما زن مظلوم شد و آن دوره شاه سابق بود و شاه لاحق بود. با اسم اینکه زن را می خواهند آزاد کنند، ظلم کردند به زن، ظلم ها کردند به زن. (تابش، ۱۳۸۳، ۱۹۶)

ثالثاً الگوی پهلوی در باب زنان حداکثر حوزه های فرهنگی و هنری و اجتماعی را در بر می گرفت و به عرصه سیاسی تسری پیدا نمی کرد. فراتر از آن تنها قشر محدودی از زنان صاحب موقعیت را در بر می گرفت. عموم زنان از چنین موقعیت هایی نظیر تصدی نمایندگی مجالس مؤسسان و مقننه محروم بودند. (تابش، ۱۳۸۳، ۱۹۶) در حالی که الگوی امام به جای « خاص گرایی»، توده های زنان جامعه را مخاطب قرار می داد و همه آنان را به حضور مستقیم در حیات سیاسی و اجتماعی دعوت می کرد.

#### وجه ایجایی الگو

امام، حضرت فاطمه زهرا (س) را الگوی جاویدان زنان می داند. این موضوع را به ویژه در نوشتارها و گفتارهای خود به مناسبت روز زن به طور مکرر اعلام کرده است:

«تمام ابعادی که برای زن متصور است و برای انسان متصور است در فاطمه زهرا (س) جلوه گریخته است.... یک انسان به تمام معنا انسان، تمام نسخه انسانیت، تمام حقیقت زن، بوده است.... تمام هویت‌های کمالی که در انسان متصور است و در زن تصور دارد، تمام در این زن است.»\*

«ما باید سرمشق از این خاندان بگیریم. بانوان ما از بانوانشان و مردان ما از مردانشان.» (امام خمینی، ۱۳۵۱، ۲۸۳)

«روز بزرگی است، یک زن در دنیا آمد که مقابل همه مردان است. یک زن به دنیا آمد که نمونه انسان است. یک زن دنیا آمد که تمام هویت انسانی در او جلوه گر است.» (امام خمینی، ۱۳۵۹، ۱۹۴)

#### خانواده و نقش اجتماعی مادری

خانواده و نقشی که زنان در آن دارند از جمله خطوط قرمزی است که به نظر امام خمینی (ره) در همه وضعیت‌ها باید محفوظ بماند. حفظ کیان خانواده، نقش مادرانه، محبت و رزق به فرزندان، نیز تربیت و انسان‌سازی از جمله خطوط ماندگاری است که در هر گونه راه‌حل‌یابی و مطالبات زنانه باید مدنظر قرار گیرد و خدشه‌دار نشود. هر گونه وظایف و نقش‌های دیگر زنان نباید خللی به نقش مادرانه و محبت‌ورزی‌های زنانه و مادرانه آنان به فرزندان وارد کند. قصور و تقصیر در این امر موجب می‌شود که تبعات بسیار ناگوار و هزینه‌های بسیار سنگینی بر جامعه، سیاست و دولت و جامعه بین‌المللی تحمیل گردد. امام خمینی (ره) همچون بسیاری روانشناسان سیاسی، حساسیت دوران کودکی و محبت‌های مادرانه در تربیت فرزندان را یادآور می‌شود. نظر امام به دیدگاه‌های فروید، اریکسون، آدلر و دیگران نزدیک می‌شود که نابهنجاری

\* صحیفه نور جلد ۲۶، ۱۳۵۸/۲/۶، ص ۱۸۵. در ادامه همین مطلب در خصوص فاطمه زهرا (س) عبارتی ذکر شده است که تأمل برانگیز است و نشان می‌دهد که زنان نمی‌توانند نبی و پیامبر شوند: «زنی که اگر مرد بود، نبی بود، زنی که اگر مرد بود به جای رسو الله بود.»

دوره کودکی را منشاء تاثیراتی در حوزه سیاست می‌دانند. امام ضمن مرتبط دانستن بخشی از ناهنجاریهای سیاسی نخبگان با دوره کودکی آنان و دوری احتمالی از کانون پر محبت مادر، آشکارا بر اصالت خانواده و تربیت کودکان، در نقش‌پذیریهای زنان در عصر مدرن تاکید می‌ورزند و آن را اصلی می‌دانند که تحت هیچ شرایطی نباید خدشه‌دار شود.

«بچه‌هایی که از دامن مادر جدا شده‌اند و در پرورشگاهها رفتند، اینها چون پیش اجنبی هستند و محبت ندیده‌اند، عقده پیدامی‌کند. این عقده‌ها منشاء همه مفاسدی است یا اکثر مفاسدی که در بشر حاصل می‌شود. این جنگ‌هایی که پیدا می‌شود از عقده‌هایی است که در قلوب این خونخوارهاست. این دزدها، این خیانت‌ها، اکثرآ از عقده‌هایی است که در انسان است.» (امام خمینی، ۱۳۵۸، ۲۴)

#### زن و عدالت محوری

از دیگر خطوط اصلی و قرمز امام خمینی (ره) در مساله و حقوق زنان عدالت محوری است. در تعامل و هم‌ورزی زنان و مردان رعایت این اصل در قانونگذاری و هم در رفتارها امری لازم است. محور تعالیم و حدود اسلامی نیز همین عدالت محوری است. هرچند این عدالت محوری غیر از مساوات ظاهری و تمام عیار و مشابهت جویی است.

«اسلام هم دینی است مال همه، یعنی آمده است که همه بشر را به این صورتی که می‌خواهد در آورد، به صورت عادلانه در آورد. به صورتی که یک بشر به بشر دیگر، یک قطره، به قدر یک سرسوزن تعدی نکند. یک زن با شوهر خودش تعدی نکند.» (امام خمینی، ۱۳۵۷، ۱۱۳)

#### مساله وارگی زنان

امام خمینی (ره) مقوله زنان را به مثابه یک معضل و یک مساله واره درک کرده بودند و هم در مساله پردازی از زنان و هم به راه‌حل‌شناسی و گره‌گشایی فقهی و سیاسی آن اهتمام ورزیده‌اند به نحوی که می‌توان از آن به مثابه الگو و آموزه‌ای متمایز نگریست. در این آموزه و رهنامه متأثر از نگرش و ارزشهای امام خمینی (ره)

هم مسائل زنان به گونه‌ای خاص نگریسته شده است و هم راه‌حل‌های آن متفاوت گشته است.

الگو و آموزه امام خمینی (ره) از سایر الگوها نظیر الگوی سنتی، الگوی مدرنیسم غربی در جوامع غربی و الگوی شبه مدرنیسم زنان در دوره‌های مشروطه، پهلوی اول و دوم کاملاً متمایز است. در این الگو و آموزه بعضاً مساله وارگی، مسائل مشترکی با سایر گروه‌ها دیده می‌شود. اما مسائل جدیدی نیز بر آن افزود می‌شود و یا بعضاً مسائلی که دیدگاه‌های دیگر مساله می‌داند، در این دیدگاه مساله تلقی نمی‌شود.

این آموزه در خصوص گسترش یابی حقوق زنان و گره‌گشایی‌های ویژه‌گیهای خاصی را طی می‌کند. از این منظر راه‌حل‌هایی که بعضاً برای رفع تبعیض از زنان ارائه می‌شود به نوبه خود به مساله آفرینی‌های جدیدی می‌انجامد.

هرگونه گسترش یابی حقوق زنان و توانمندسازی زنان از نظر امام خمینی (ره) مورد تایید است مشروط به آنکه مخالفت آشکاری با ضوابط صریح اسلامی نداشته باشد. مشروط به آنکه مفسده برانگیز نباشد. بنابراین می‌توان به این جمع‌بندی رسید که از نگاه امام خمینی (ره) زنان با حفظ عفاف و حجاب اسلامی و جلوگیری از هرگونه بستر مفسده برانگیزی می‌توانند در عرصه‌های اجتماعی-سیاسی، مانند مردان حضور یابند. امام در گزاره‌ای کلی می‌فرماید:

فقه اسلامی یکی از مواردی است که احکام آن در مواردی ظاهراً محدود کننده آزادی‌ها و حقوق زنان است. اما فقه امام خمینی (ره) اولاً تحت تاثیر اصول کلی کلامی وی نظیر قاعده لزوم عدالت اجتماعی از جمله عدالت محوری روابط زنان و مردان قرار گرفته است. بنابراین به طور جوهری اصل عدالت اجتماعی بسیاری از استنباطات خلاف آن را از پیش کنار می‌زند. و این اصل بر دیگر اصول و قواعد فقهی و اجتهادها حکومت می‌کند.

ثانیاً فقه امام خمینی (ره) به طور جوهری تحت تاثیر نگرش عرفانی امام نسبت به زنان و مقام رفیع جنس مونث در عرفان اسلامی قرار می‌گیرد. این نگرش بسیار لطیف و معنوی به طور بنیادین در صدور احکام فقهی در باب زنان به ویژه در احکام خانوادگی، اجتماعی و سیاسی اثرگذار می‌شود و به نوبه خود در خدمت توانمندسازی و تشویق حضور زنان در عرصه‌های گوناگون و قدرت اعجاب‌انگیز تاثیرگذاری آنان می‌شود و در فرآیند نهایی به توانمندسازی آنان کمک می‌کند.

#### نتیجه‌گیری

خرافات جامعه و فرهنگ غلط و هنجارهای فرهنگی نابجا و حتی غیراسلامی در جوامع مسلمان بعضاً به عنوان یکی از موانع اصلی گسترش حقوق زنان و یا عاملی در جهت ترویج رویه‌های تبعیض‌آمیز علیه زنان گردیده است. این خرافات و عرف اجتماعی مسلمانان بعضاً در قالب مجوزهای شرعی جلوه‌گر می‌شود و امر را بر مردم مشتبه می‌کند. امام خمینی (ره) می‌کوشد تا اولاً مرزهای آشکاری میان احکام خاص اسلامی و خرافات مسلمانی قائل شود و ثانیاً زنان را تشویق می‌کند تا در حذف فرهنگ و هنجارهای اجتماعی غلط بکوشند. هنجارهایی که ساخته‌های تدریجی مردم است و به عرف اجتماعی و در نتیجه مانعی برای مشارکت زنان و احقاق حق آنان درآمده است:

«ما مفتخریم که بانوان و زنان پیرو جوان، خرد و کلان در صحنه‌های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر و همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند و آنان که توان جنگ دارند در آموزش نظامی که برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی از واجبات مهم است شرکت و از محرومیت‌هایی که توطئه دشمنان و ناآشنایی دوستان از احکام و قرآن بر آنها بلکه بر اسلام و مسلمانان تحمیل نمودند، شجاعانه و متعهدانه خود را رها کرده و از قیود خرافاتی که دشمنان

برای منافع خود به دست نادانان و برخی از آخوندهای بی اطلاع از مصالح مسلمین به وجود آورده بودند، خارج نموده اند.»

بخشی از تبعیض های ناروا علیه زنان در کشورهای موسوم به جهان سوم به میراث دوره استعماری و منافع کشورهای سلطه گر در ترویج و تبدیل دیدگاههای خاص به گفتمان مسلط برمی گردد. این موضوعی است که در یک بررسی واقع بینانه و عینی قابل دست یابی و اثبات است.

مساله وارگی حقوق زنان در کشورهای جهان سوم یا اسلامی یا کشورهای جنوب از این حیث دارای پیچیدگی بیشتری است. قدرتهای خارجی در گذشته و حال در جهت تحکیم قدرت خود به تدریج و اشاعه آن دسته از باورهایی دامن زده اند که متضمن منافع آنان بوده و هست. از جمله این مسائل ترویج ایده ناروا بودن مشارکت سیاسی زنان در سیاست و اجتماع است تا بدین وسیله بتوانند بیش از نیمی از توان مقاومت جامعه در برابر مطامع خود را از دور خارج کنند. امام خمینی (ره) آشکارا به این مطلب اشاره می کند که چگونه برخی از باورهای خرافی مردم در نقشی مکمل ساز توسط عناصر خارجی تقویت و به گفتمان مسلط و تاثیرگذار بر رفتار سیاسی تبدیل می شود. امام با تقریر و تایید رفتار سیاسی عملی زنان و حضور میلیونی آنان در تحولات اجتماعی که منجر به انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ شد، می کوشد تا این تحول ژرف در ایستارها نسبت به زنان و تحقق عملی مشارکت زنان همسوبا ارزش های مذهبی در انقلاب و نظام جمهوری اسلامی را نشان دهد.

به نظر امام خمینی (ره) پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، بخشی مهمی از مساله وارگی زنان حل می شود و یا بستر مساعدی برای حل آن فراهم می شود. امام مساله وارگی زنان در سایر کشورهای مسلمان نشین همچنان ادامه دارد. به همین



دلیل امام از زنان کشورهای مسلمان دعوت می‌کنند تا از حرکت زنان مسلمان و انقلابی ایران الهام‌گیری و الگوبرداری کنند.

مساله‌وارگی زنان در کشورهای اسلامی در اشکال گوناگون محرومیت‌ها به چشم می‌خورد. تداوم الگوی سنتی و متحجرانه علیه زنان که مبتنی بر قرائت‌های ارتجاعی و واپس‌گرایانه و منجمد از اسلام است. نظیر آنچه که در نگرش طالبانی در صحنه عملی در قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم مشاهده شد.

در برخی از کشورهای مسلمان‌نشین محرومیت زنان از حق انتخاب کردن یا انتخاب شدن و یا حتی مواردی نظیر محرومیت زنان از رانندگی و یا محدودیت‌هایی در مالکیت و به‌ویژه نگرش منفی نسبت به جنس مونث و شهروند درجه دو تلقی کردن آن همچنان ادامه دارد. به هر تقدیر امام استراتژی و خط مشی الگوگیری از زن ایرانی را توصیه می‌نماید.

«من امیدوارم که خانم‌های مسلمین در هر جا هستند اقتدا کنند به شما عزیزان که کوشش دارید برای اینکه ارزش زن را هر چه بیشتر بالا ببرید.» (امام خمینی، ۱۳۳۳، ۱۱۱)

### منابع فارسی

- ۱- فوکو، میشل، *ایرانیها چه رویایی در سر دارند*، صص ۲۱-۲۰
- ۲- تاجیک، محمد رضا، *غیرت و هویت*، صص ۱۰۱-۱۰۰.
- ۳- منفرد، حمید رضا، *ایدئولوژی انقلاب ایران*، صص ۲۲۵-۲۴۴.
- ۴- جوادی آملی، عبدا...، ۱۳۷۷، *زن در آینه جمال و جلال*، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ سوم، ۳۳۶.
- ۵- قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۱۸۵
- ۶- جوادی آملی، همان، صص ۷۲-۷۱ و ۷۶.
- ۷- جوادی آملی، همان، صص ۸۰-۷۵.
- ۸- امام خمینی، ۱۳۵۷، *صحیفه نور*، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، جلد ۵ صص ۱۱۸
- ۹- صحیفه نور، جلد ۳، صص ۴۹.

- ۱۰- موسسه فرهنگی طه، ۱۳۷۷، نگاه‌های به فمینیسم، قم، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی، ص ۳۸.
- ۱۱- همان، ص ۳۷.
- ۱۲- امام خمینی، صحیفه نور، ۱۳۵۷، جلد ۴، ص ۵۹-۶۰.
- ۱۳- امام خمینی، صحیفه نور، ۱۳۵۷، جلد ۴، ص ۳۴-۳۳.
- ۱۴- امام خمینی، صحیفه نور، جلد ۴، ص ۵۹-۶۰.
- ۱۵- همان.
- ۱۶- مظهری، مرتضی، ۱۳۵۹، نظام حقوق زن در اسلام، قم، صدرا، ص ۱۲۳.
- ۱۷- همان، ص ۱۱۵.
- ۱۸- همان، ص ۱۶.
- ۱۹- منصور نژاد، ۱۳۸۳، همان، ص ۳۱۱-۳۱۳.
- ۲۰- حاجری، عبدالرسول حاجری، ۱۳۸۳، ص ۲۰.
- ۲۱- همان، ص ۱۳۹.
- ۲۲- حاجری، عبدالرسول، ۱۳۸۳، ص ۱۴۰-۱۳۹.
- ۲۳- حاجری، عبدالرسول؛ ۱۳۸۳، فمینیسم جهانی و چالش‌های پیش رو؛ قم، بوستان کتاب، ص ۲۶.
- ۲۴- همان، ص ۲۸.
- ۲۵- نگاه‌های به فمینیسم، قم، معاونت امور اساتید و دروس معارف، ۱۳۷۷، صص ۴۲-۴۳.
- ۲۶- نگاه‌های به فمینیسم، قم، معاونت امور اساتید و دروس معارف، ۱۳۷۷، صص ۴۲-۴۳.
- ۲۷- نجم آبادی، افسانه، ۱۳۷۷، نگاه زنان (مجموعه مقالات)، تهران، نشر توسعه، صص ۵۲-۵۳.
- ۲۸- امام خمینی، صحیفه نور، ۱۳۶۱، جلد ۲۵، صص ۱۲۷-۱۲۵.
- ۲۹- مصاحبه با دکتر اعوانی، ۱۳۷۸، از مجموعه مصاحبه‌ها؛ کنگره جهانی جایگاه و نقش زن از دیدگاه امام خمینی، صص ۲۰۸-۱۶۴.
- ۳۰- ربیعان، فاطمه، فاطمه زهرا (س) معنای بلند قدر: تفسیر عرفانی امام خمینی در شان فاطمه زهرا (س)، صص ۱۶۷-۱۴۹ و نیز منظر سلطانی؛ زن و عرفان: فاطمه زهرا (س) مظهر انسان کامل، صص ۱۹۶-۱۶۹.
- ۳۱- امام خمینی، صحیفه نور، ۱۳۵۷، جلد ۴، ص ۸۲.
- ۳۲- شادلو، سیده، ۱۳۷۷، سیمای زنان جهان: مصر، تهران، برگ زیتون، ص ۱۰۷-۱۰۶.
- ۳۳- امام خمینی، صحیفه نور، ۱۳۵۷، جلد ۵، ص ۱۵۴-۱۵۳.

- ۳۴- همان، ۱۳۶۱، جلد ۱۶، ص ۱۲۶-۲۵
- ۳۵- امام خمینی، صحیفه نور، ۱۳۵۸، جلد ۹، ص ۲۳۳.
- ۳۶- امام خمینی، ۱۳۷۳، کوثر، جلد اول، تهران، موسسه نشر آثار امام خمینی، ص ۲۷.
- ۳۷- امام خمینی، صحیفه نور، ۱۳۵۷، جلد ۴، ص ۱۰۴-۱۰۳
- ۳۸- امام خمینی، صحیفه نور، ۱۳۵۷، جلد ۲۱، ص ۹۸.
- ۳۹- امام خمینی، صحیفه نور، جلد ۴، ۱۳۵۷، ص ۶۰-۵۹.
- ۴۰- امام خمینی، صحیفه نور، ۱۳۵۸، جلد ۲۶، ص ۱۸۵.
- ۴۱- امام خمینی، صحیفه نور، ۱۳۶۱، جلد ۱۶، ص ۱۲۷-۱۲۵ به مناسبت روز زن...
- ۴۲- امام خمینی، صحیفه نور، ۱۳۶۱، همان مآخذ، همان صفحه.
- ۴۳- امام خمینی، صحیفه نور، ۱۳۵۸، جلد ۵، ص ۲۸۳.
- ۴۴- امام خمینی، صحیفه نور، ۱۳۵۹، جلد ۶، ص ۱۹۴...
- ۴۵- امام خمینی، صحیفه نور، ۱۳۵۸، جلد ۸، ص ۲۴۱-۲۴۰
- ۴۶- امام خمینی، صحیفه نور، جلد ۳، ص ۱۲۳
- ۴۷- امام خمینی، صحیفه نور، ۱۳۶۳، جلد ۱۹، ص ۱۲۱
- ۴۸- فاطمه ربیعان، فاطمه زهرا (س) معنای بلند قدر: تفسیر عرفانی امام خمینی در شان فاطمه زهرا (س)، صص ۱۶۷-۱۴۹ و نیز منظر سلطانی زن و عرفان: فاطمه زهرا (س) مظهر انسان کامل، صص ۱۹۶-۱۶۹